

نقد و تحلیل کتاب‌های راهنمای تدریس تربیت بدنی



مرضیه رضوانی
رئیس انجمن علمی
آموزشی معلمان
تربیت بدنی، استان
سمنان

در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است. اما به‌رغم اهمیت درس تربیت بدنی و تأثیر اجرای صحیح آن بر دانش‌آموزان مدارس، متأسفانه اجرای این درس همواره با نقص‌هایی روبه‌رو بوده است. از آنجا که تأمین آمادگی جسمانی و حرکتی دانش‌آموزان بخشی از آمادگی جامع آنان به‌شمار می‌آید، ضرورت تهیه برنامه درس تربیت بدنی را دوچندان می‌کند. بر این اساس، مقدمات تولید چنین برنامه‌ای از سال ۱۳۷۶ با همکاری کارشناسان اداره کل تربیت بدنی، متخصصان و معلمان در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در شورای درسی مربوطه فراهم شد. پس از تدوین کتاب‌های راهنمای تدریس تربیت بدنی و انتشار کتاب مدرسه ما (بوم یا «برنامه ویژه مدرسه» با تأمل بر تجربه‌های حرفه‌ای) فراخوان

چکیده

برنامه درسی ملی به‌عنوان نقشه کلان نظام برنامه درسی کشور در راستای عملیاتی کردن سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش تدوین شده و در آن چشم‌انداز نظام آموزشی، رویکرد حاکم بر برنامه‌های درسی، اهداف و حوزه‌های یادگیری آمده است. حوزه یادگیری تربیت بدنی و سلامت یکی از یازده حوزه یادگیری برنامه درسی ملی است که در پی برقراری سلامتی جسمی، روانی، عاطفی و ایجاد زمینه‌های لازم برای شناسایی روش‌های درست فعالیت‌های جسمانی، ارتقای توانایی‌های بدنی، تبیین روش‌های تفریحی سالم، ترویج بهداشت، اصول سالم‌زیستن، پیشگیری از ایجاد بیماری، اختلال، معلولیت‌های جسمی و توانمندسازی افراد



رویداد بین‌المللی الف‌تا (الفبای تحول آموزش و پرورش) محقق را بر آن داشت تا با کمی تأمل در افق‌های تحول‌آفرین بوم و الهام از محورهای رویداد الف‌تا که ایده‌های تحولی فعالان تربیتی و کنشگران مدرسه به دست خودشان محقق خواهد شد، به شیوه‌ای متفاوت به نقد و تحلیل کتاب‌های راهنما در این قالب اقدام کند، چراکه لازمه تحول، شکست ساختارهای وضع موجود است.

اهمیت و ضرورت درس تربیت بدنی

کودکان ما در حالی دوران طلایی رشد خود را قبل از ورود به مدرسه می‌گذرانند که با چالش‌هایی از جمله زندگی ماشینی، آپارتمان‌نشینی، گرایش به فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای مواجه‌اند. از این رو آنان نیازمند فراگیری الگوها، دانش و مهارت‌های سالم‌زیستن هستند تا با تأمین نیازهای خود، با مشکلات و مسائل غیرقابل‌پیش‌بینی در زندگی برخورد صحیح داشته باشند. کسب سواد حرکتی، زمینه‌ساز دستیابی به موقعیتی است که فرد را با ظرفیت‌های وجودی خود و دیگران آشنا می‌کند و ادراکی نو و برخاسته از تعامل پویا با محیط به همراه دارد. سواد حرکتی توسعه مهارت‌های بنیادین حرکتی و ورزشی است که به کودک اجازه می‌دهد با انگیزه، اعتمادبه‌نفس و کنترل، در طیف وسیعی از فعالیت‌های بدنی و موزون و شرایط ورزشی حرکت کند و در قبال شرایط محیطی موجود و بر اساس ادراک خود، واکنش مناسب نشان دهد. بنابراین کم‌حرکی و سواد کم حرکتی از یک‌سو و سطح پایین مهارت‌های فردی و گروهی در دانش‌آموزان از سوی دیگر و مهم‌تر از همه، تلفیق فعالیت‌های حرکتی با تفکر و پژوهش و خلاقیت، مسئله اصلی این ایده را به وجود آورد.

بهره‌گیری از رویکرد سه‌وجهی در محتوا از نقاط قوت کتاب‌های راهنمای معلم دوره‌های متوسطه اول و دوم است

تحلیل ابعاد محتوایی کتاب‌های راهنمای درس تربیت بدنی

تدوین چنین برنامه‌ای از محتوای درس تربیت‌بدنی به سال ۱۳۷۶ برمی‌گردد که پس از تدوین سرفصل‌های کتاب‌های راهنمای معلم به‌صورت پایه‌ای، بنا به‌ضرورت، کتاب‌های راهنمای تدریس تربیت‌بدنی پنج پایه دوره ابتدایی با هدف جامعیت‌بخشیدن به اهداف و انتظارات برنامه درس تربیت‌بدنی در یک مجلد تدوین شد. در سال‌های بعد، کتاب راهنمای معلم درس سلامت و تربیت‌بدنی پایه ششم نیز تدوین شد. برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت پایه هفتم، هشتم و نهم در سال

تحصیلی ۹۳-۹۲ در قالب راهنمای معلم تدوین شد و در اختیار معلمان قرار گرفت. در ادامه و در راستای تحقق سیاست‌های کلان آموزش و پرورش، اجرایی‌شدن اسناد تحولی از جمله برنامه درسی ملی، برنامه درس تربیت‌بدنی در دوره دوم متوسطه در قالب کتاب راهنمای معلم تألیف شد.

از جمله امتیازات این کتاب‌ها می‌توان گفت که در تدوین آن‌ها تلاش شده است در هر موضوع آموزشی روش‌های یاددهی-یادگیری، ارزشیابی، سامان‌دهی موقعیت و فرصت یادگیری نیز ارائه شوند. در این برنامه، بنابر اصل «توجه به تفاوت» در برنامه درسی ملی که بیان می‌دارد «برنامه‌های درسی و تربیتی باید به تفاوت‌های محیطی، جنسیتی و فردی متربیان توجه کرده و در این خصوص از انعطاف لازم برخوردار باشند» محتوای آموزشی در هر دو دوره متوسطه اول و دوم به سه صورت اختصاصی (تجویزی)، انتخابی (نیمه‌تجویزی) و اختیاری تدوین شده است. لذا بهره‌گیری از رویکرد سه‌وجهی در محتوا از نقاط قوت کتاب‌های راهنمای معلم دوره‌های متوسطه اول و دوم است.

از جمله نقاط قوت و مهمی که در مجموع گذار از محتواهای کتاب‌های راهنمای تدریس درس تربیت‌بدنی در دوره‌های ابتدایی تا متوسطه ذکر آن را ضروری می‌دانیم، توضیح و یادآوری جایگاه و نقش و رسالت کتاب راهنمای معلم است. مطابق تعریف، کتاب راهنمای معلم، سندی آموزشی است که نقش واسطه‌ای بین سند راهنمای برنامه درسی و معلم را ایفا می‌کند و کارکرد آن هدایت و آسان‌سازی تدریس در چارچوب تحقق اهداف برنامه است. لذا از ویژگی‌های مثبت این کتاب‌ها می‌توان به سعی و کوشش برنامه‌ریزان و مؤلفان آن‌ها اشاره کرد که با گذشت زمان و بازنگری‌های مربوطه در صدد آن هستند که در حرکت روبه‌جلو و تربیت تمام‌ساحتی سند تحول بنیادین از طریق تبیین فرصت‌های غنی آموزشی و شرایط یاددهی-یادگیری مطلوب، فرصت‌هایی ایجاد کنند تا معلمان بتوانند ضمن بهره‌مندی از دانش، خلاقیت و تجربیات ارزنده خود در تدریس، از این کتاب‌های راهنما نیز کمک بگیرند.

یافته‌ها در نگاه تحلیلی و انتقادی روش‌های یاددهی-یادگیری کتاب‌های راهنمای معلم دوره‌های متوسطه نشان می‌دهند که به ادعان مؤلفان، به‌طور کلی روش‌های تدریس در درس تربیت‌بدنی را می‌توان مانند یک پیوستار در نظر گرفت که در یک طرف آن روش‌های تدریس معلم‌محور (مستقیم) و در طرف دیگر آن روش‌های تدریس شاگردمحور (غیرمستقیم) قرار دارد.



حرکتی و شایستگی بر این مینا در کنار سایر مؤلفه‌های سنجش کتاب‌های راهنمای تدریس، یک امتیاز عالی در این بخش است که در کنار برنامه‌درسی ویژه مدرسه (بوم) باعث از تقای اهداف آموزشی و تحقق سنجش در شرایط واقعی می‌شود. برای درک عمیق‌تر مقوله ارزشیابی توصیفی پیشنهاد می‌شود که نمونه روبریک‌های کاربردی متناسب با محتوا و اهداف هر بخش ارائه شود.

برنامه‌های تربیتی، فضا و جو مدرسه باید در عین سازمان‌یافتگی پیر از فرصت‌های گزینش، ترجیح، انتخاب آزاد و آگاهانه باشد، به گونه‌ای که هر یک از دانش‌آموزان بر اساس استعدادها و توانایی‌های خویش در معرض فرصت‌های متنوع تربیتی و سنجشی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود باشند. لذا در الگوی مدرسه در تراز سند تحول به دنبال این انعطاف‌پذیری برنامه‌ای و متنوع‌سازی فرصت‌های تربیتی در قالب یادگیری و ارزشیابی مشارکتی هستیم. نقطه کانونی تحول در نظام آموزشی، یادگیری و ارزشیابی است که در برنامه‌های درسی و غیردرسی رخ می‌دهد. بر طبق مبحث هم‌افزایی زمانی که ما با هم و به شکل مشارکتی کار می‌کنیم به همان نسبت نتایج بیشتری از نتایج کارکردن انفرادی عایدمان می‌شود. دانش‌آموزان با مشارکت و هم‌افزایی از هم یاد می‌گیرند و به هم یاد می‌دهند، چون به تجربیات مشترکی در گروه دست می‌یابند که باعث درک و تفهیم بهتر می‌شود. حال هر قدر تنوع مشارکت (مشارکت دانش‌آموزان با هم، مشارکت مربی با دانش‌آموزان، مشارکت مربیان با هم، مشارکت تیم مدرسه اعم از مدیر، معلم و دانش‌آموزان) بیشتر باشد، شاهد افزایش تداوم دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی بهتر خواهیم بود که نتایج تحقیقات نیز حاکی از این مطلب بودند. بنابراین، چون یادگیری و نظام یاددهی بر اساس مشارکت قرار می‌گیرد، ارزشیابی (روی دیگر سکه یادگیری) نیز مبتنی بر مشارکت (خودارزیایی، ارزیابی همتا، تیم ارزیابی مدرسه و راهبری آن) می‌شود. از این رو یادگیری و ارزشیابی همان نقطه کانونی تحول در نظام آموزش و پرورش است که در برنامه‌های درسی و غیردرسی رقم می‌خورد. یادگیری تغییرات در دانش‌آموزان، حاصل برنامه‌های پیش‌بینی شده معلم، مدیر و سیاست‌گذاران است. این یادگیری اساس همه تغییرات خوبی است که بعدها رخ می‌دهند و به کسب شایستگی‌هایی می‌انجامند که در هدف اساسی سند تحول بنیادین، همان حیات طیبه است.

در روش‌های غیرمستقیم (شاگردمحور) نقش مداخله‌ای و اصلی معلم به حداقل می‌رسد، اما معلم درس را سازمان می‌دهد و در واقع هدایتگر است. تقویت مثبت و بازخورد مستمر، کار معلم است و شاگردان برای اکتشاف و یافتن راه‌حل‌های حرکتی مختلف تشویق می‌شوند. هر فرد طرح و پاسخ حرکتی را با توجه به توانایی‌اش تنظیم و اجرا می‌کند. معلم در بین یادگیرندگان است تا با درک صحیح از نقاط ضعف و قوت فراگیران، آن‌ها را به فعالیت‌ها، تمرین‌های بیشتر و مطلوب‌تر هدایت کند تا در نهایت، نگرش یادگیرنده را نسبت به حرکت تغییر دهد، اما چون اثر حاضر یک کتاب درسی است به‌ویژه در زمینه راهنمای تدریس، در کتاب راهنمای معلم دوره ابتدایی نیز بایستی همین نگرش‌ها دیده می‌شد و به‌جای تأکید بر روش‌های سنتی و نسبتاً قدیمی از روش‌های نوین و کارآمد تدریس استفاده می‌کردند. همچنین ضرورت دارد روش‌های نوین تدریس همچون روش تدریس گروهی، روش تدریس موردی، تدریس معکوس، تدریس در کلاس‌های مجازی، روش‌های تدریس اکتشافی، روش تدریس دوجانبه، روش تدریس فراگیر و... مورد توجه قرار گیرند. بسط و تشریح این روش‌ها در کتاب راهنما به همراه پیوست‌های تصویری در قالب رمزینه‌های سریع‌پاسخ، می‌تواند نقش مؤثری در یادگیری این روش‌ها داشته باشد.

سنجش و ارزشیابی درس تربیت بدنی و سلامت

ارزشیابی یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در فرایند آموزش به‌شمار می‌آید و هدف از آن، انعکاس پیشرفت دانش‌آموزان و معلمان در تحقق اهداف برنامه درسی است. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ با تدوین نشانه‌های تحقق اهداف و سطوح عملکرد یادگیری دروس، تلاش کرد تا سهم خود را در تحقق اهداف ارزشیابی توصیفی در دوره ابتدایی ایفا کند، اما اینکه چرا در این بازنگری بر محتوا تعداد شاخص‌های ارزشیابی توصیفی در پایه‌های اول تا ششم زیاد و متفاوت است، جای تأمل دارد؟ در ارزشیابی این درس در دوره متوسطه از سه شیوه ارزشیابی ورودی، مستمر و پایانی استفاده می‌شود که با توجه به ماهیت مهارتی درس تربیت بدنی، تفاوت‌های فردی و تجارب پیشین دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و نقش و اهمیت ارزشیابی مستمر در این درس، بیش از سایر ارزشیابی‌ها خواهد بود. از طرف دیگر، تصمیم به اجرای سه آزمون طرح پاک در این دوره‌ها و صدور کارنامه عملکرد

برای درک عمیق‌تر مقوله ارزشیابی توصیفی پیشنهاد می‌شود که نمونه روبریک‌های کاربردی متناسب با محتوا و اهداف هر بخش ارائه شود

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عوامل مختلفی مانند محیط یادگیری، مدیریت کلاس، روش‌های یاددهی-یادگیری، ویژگی‌های دانش‌آموزان، محتوای کتاب و... بر اثربخشی تدریس نقش دارند؛ لذا انتظار می‌رود که یک کتاب راهنمای تدریس (به‌عنوان منبع محتوای برنامه‌درسی) خوب و حرفه‌ای باید تمامی این موارد را به بهترین شکل پوشش دهد و پاسخ‌گوی این عوامل باشد. با توجه به‌عنوان کتاب راهنمای تدریس، دو انتظار در خواننده ایجاد می‌شود: اول، نقش راهنما داشتن کتاب در عرصه عمل و اجرای فرایند تدریس-یادگیری؛ دوم، تناسب سطح محتوا (دانش نظری و مهارت‌ها) با سطح دانش و نیاز معلمان. بنابراین، پیشنهاد می‌شود به‌منظور فهم بهتر محتوا در هر بخش از کتاب، از مثال‌های کاربردی و تجربه‌های تدریس استفاده شود، زیرا این امر به فهم شرایط واقعی محیط تدریس و یادگیری کمک شایانی می‌کند، همان‌طور که در تناسب سطح دانشی هم، لزوم بازنگری‌هایی متناسب با شرایط سریع تحولات جامعه احساس می‌شود.

در نقد و تحلیل ابعاد شکلی کتاب‌های راهنمای تدریس دوره‌های ابتدایی و متوسطه به امتیازات و برخی نقاط ضعف آن‌ها اشاره شد. از جمله نقاط قوت آن‌ها، بیان نگرش‌های مورد انتظار و استانداردهای عملکردی برنامه‌درسی در کلیه کتاب‌های راهنمای دوره‌های تحصیلی بود، اما در قسمت ارزشیابی، نوع شایستگی‌ها به‌خوبی تبیین نشده‌اند. شاخص‌های سنجش در دوره ابتدایی بسیار زیادند. کلی‌گویی، پراکنده‌بودن مطالب، تکرار برخی از موضوعات، زیادبودن فرضا ۱۹ مورد در جدول ارتباطی اهداف پایه ششم (صفحات ۱۱ تا ۱۴ کتاب) باعث می‌شوند که انسجام منطقی بین مباحث درسی دیده نشود. به عبارت دیگر، دسته‌بندی اصولی مفاهیم مورد توجه قرار نگرفته است. لذا بهتر است از لحاظ حجم محتوا، نوعی تعادل بین مطالب مربوط به هر موضوع مراعات شود و همچنین در انتهای فصل یا بخش، مطالبی با عنوان مرور و جمع‌بندی آورده شود. در این قسمت می‌توان ضمن تکرار نکته‌های کلیدی، در جهت ارتباط مطالب مطرح‌شده به یکدیگر و یکپارچه‌سازی آن‌ها کوشید. این کار سبب آسان‌سازی درک کلی مطلب، یادگیری معنادار، فراخوانی و بازیابی آسان‌تر اطلاعات مطالعه‌شده می‌شود. حتی می‌توان این قسمت را برای برجسته‌سازی و جلب توجه، داخل قاب یا به رنگ دیگر درآورد. از جمله مهم‌ترین اشکال‌ها یا نقض‌های کتاب می‌توان به استفاده از روش‌های سنتی نسبتاً قدیمی و غفلت از روش‌های نوین و کارآمد تدریس به‌ویژه در کتاب‌های راهنمای معلم مقاطع ابتدایی اشاره کرد. همچنین امروزه با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی، فضاهای مجازی و شرایط غیرقابل‌پیش‌بینی، نظیر زمان کرونا، بخش قابل‌توجهی از آموزش‌ها از طریق کلاس‌های مجازی برگزار می‌شود، لذا جای چنین مباحثی در کتاب‌های راهنمای

تدریس، خالی است. معرفی خانواده‌الگوهای تدریس، شامل الگوی پردازش اطلاعات، الگوهای اجتماعی، تدارک اجتماع یادگیری، الگوهای شخصی (فردی) و الگوهای نظام‌های رفتاری می‌تواند برای خبرگی معلمان در تدریس راهگشا باشد.

همچنین با توجه به اینکه کتاب‌های نقدشده از نوع کتاب درسی هستند، شایسته است در انتهای هر فصل سؤال‌هایی به‌منظور ارزشیابی خواننده از یادگیری محتوای کتاب طرح شوند و مطالب مرتبط با وسایل آموزشی و حتی کمک‌آموزشی با توجه به تحولات وسیع فناوری اطلاعات و ارتباطات بیان شوند و در نهایت، از یافته‌های پژوهشی مرتبط با حوزه تدریس برای تقویت مبانی نظری و آشنایی خوانندگان با دستاوردهای نوین حوزه تدریس استفاده شود تا جنبه علمی و پژوهشی کتاب را نیز تقویت کند.

منابع

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش.
۲. سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). وزارت آموزش و پرورش.
۳. کتاب راهنمای تدریس معلم تربیت‌بدنی مقطع ابتدایی.
۴. کتاب راهنمای تدریس معلم تربیت‌بدنی مقطع متوسطه اول.
۵. کتاب راهنمای تدریس معلم تربیت‌بدنی مقطع متوسطه دوم.
۶. گرسکس استیو. یادگیری مشارکتی در تربیت‌بدنی. ترجمه سید محمد کاظم واعظ موسوی و محمود مرشدی. تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۷. متسلسلر، م. د. *الگوهای آموزشی در تربیت‌بدنی*. ترجمه جواد آزمون و همکاران. تهران: سمت، ۱۳۹۴.
۸. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۵). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۹. هادوی، فریده؛ فراهانی، ابوالفضل و ایزدی، علیرضا (۱۳۹۲). *اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی در تربیت‌بدنی*. تهران: حتمی.
۱۰. هیلسون، دونالد. *اهداف و راهبردها در آموزش تربیت‌بدنی*. ترجمه محسن حلاجی. تهران: ورزش، ۱۳۹۲.
11. Akker, J. J. (2009). Curriculum in development. Enschede: Netherlands Institute for Curriculum Development.
12. Akker, J. van den (2006). Curriculum development re-invented. In J. Letschert (Ed.), Curriculum development re-invented. Proceedings of the invitational conference on the occasion of 30 years SLO 1975-2005 (pp. 16-29). Enschede: SLO.
13. DeWitt, Jennifer & Storksdieck, Martin (2008). A Short Review of School Field Trips: Key Findings from the Past and Implications for the Future. Visitor Studies, 11:2, 18119-.
14. Fullan, Michael (2007). *The New Meaning of Educational Change*. 4th edition. Teachers College Columbia University.
15. Kärkkäinen, K. (2012). Bringing About Curriculum Innovations: Implicit Approaches in the OECD Area. OECD Education Working Papers, No. 82, OECD Publishing. Available on <http://dx.doi.org/10.1787/5k95qw8xz18s-en>.
16. Marsh, Colins J. (2009). *Key concepts for understanding curriculum*. 4th edition. Routledge.